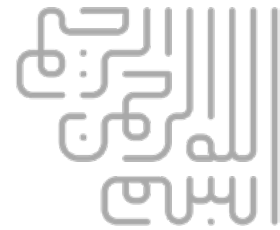


تاب‌آوری جامعه در جنگ از منظر علوم رفتاری؛ واکاوی عوامل مؤثر و ارائه راهبردهای مداخله‌ای



تاریخ انتشار: ۱۴۰۵/۰۶/۳۱
Publish Date : 2026/9/22



مرکز پژوهش‌های
مجلس شورای اسلامی

عنوان: تاب‌آوری جامعه در جنگ از منظر علوم رفتاری؛ واکاوی عوامل مؤثر و ارائه راهبردهای
مداخله‌ای

تهیه و تدوین‌کنندگان (Authors): فاطمه مروتی، فهیمه محمدی

واژه‌های کلیدی: تاب‌آوری، علوم رفتاری، شرایط جنگ

ناشر: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی

DOI: <https://doi.org/10.22034/mrc.report.21890>

Permanent Link: https://report.mrc.ir/article_11957.html

Publisher : Islamic Parliament Research Center of Iran

عنوان: تاب‌آوری جامعه در جنگ از منظر علوم رفتاری؛ واکاوی عوامل مؤثر و ارائه راهبردهای مداخله‌ای

نوع گزارش: طرح / لایحه □، نظارتی □، راهبردی ■، پیش‌نویس قانونی □

نام دفتر: مطالعات حکمرانی (گروه الگوها و ابزارهای حکمرانی)

مدیران مطالعه: فهیمه محمدی، حیدر نجفی رستاقی

ناظر علمی: مهدی عبدالحمید

اظهار نظر کنندگان: منصوره کریمی (مطالعات مدیریت)، طه اکرمی (دفتر مطالعات سیاسی)، صابر

جعفری کافی آباد (دفتر مطالعات اجتماعی)

گرافیک و صفحه‌آرایی: سیده فاطمه ابوطالبی، انسیه بهاء بزرگی

ویراستار ادبی: مزگان کاظمی

تاریخ شروع مطالعه: فروردین ۱۴۰۵



فهرست مطالب

چکیده.....	۶
خلاصه مدیریتی.....	۷
۱. مقدمه.....	۱۰
۲. تعریف تاب آوری جامعه در جنگ.....	۱۱
۳. پیامدهای تاب آوری جامعه در جنگ.....	۱۲
۴. تعیین کننده های تاب آوری جامعه در جنگ.....	۱۳
۴-۱. عوامل شناختی و روانی.....	۱۳
۴-۲. عوامل اجتماعی.....	۱۴
۴-۳. عوامل ارتباطی و رسانه ای.....	۱۵
۴-۴. عوامل حکمرانی و خط مشی گذاری.....	۱۶
۵. تاب آوری جامعه ایران در چرخه جنگ.....	۱۸
۶. راهبردها و توصیه های سیاستی ارتقای تاب آوری.....	۱۹
۷. جمع بندی.....	۲۴
منابع و مأخذ.....	۲۷

فهرست جداول

جدول ۱. تعیین کننده های تاب آوری جامعه در شرایط جنگ.....	۸
جدول ۲. راهبردها و توصیه های سیاستی ارتقای تاب آوری.....	۹
جدول ۳. پیشنهاد های سیاستی ارائه شده.....	۲۵

فهرست شکل

شکل ۱. عوامل تعیین کننده تاب آوری جامعه در جنگ.....	۱۷
---	----



تاب‌آوری جامعه در جنگ از منظر علوم رفتاری؛ واکاوی عوامل مؤثر و ارائه راهبردهای مداخله‌ای

چکیده



جنگ یکی از پیچیده‌ترین بحران‌هاست که می‌تواند آثار مخربی بر ابعاد روانی و اجتماعی کشورها داشته باشد. تاب‌آوری دربردارنده این مفهوم است که یک جامعه تا چه حد می‌تواند در برابر چنین فشارهایی مقاومت کند و از فروپاشی کارکردهای اساسی خود جلوگیری کند. در واقع تاب‌آوری موجب می‌شود تا با وجود شرایط ترس و نگرانی مردم درک معناداری از رفتارهای سازنده مثل صرفه‌جویی، مشارکت و تبعیت از الزام‌های جمعی داشته باشند و از رفتارهای مخربی مانند انتشار شایعات و... خودداری کنند. این تاب‌آوری سبب می‌شود تا جامعه بتواند همچنان به ارائه خدمات ضروری خود ادامه دهد و توان بیشتری جهت بازسازی و بازگشت به شرایط عادی داشته باشد. در مجموع عوامل تعیین‌کننده تاب‌آوری جامعه به چهار دسته شناختی و روانی، اجتماعی، ارتباطی و رسانه‌ای و حکمرانی و خط‌مشی‌گذاری قابل تقسیم‌بندی است که هر یک از این دسته‌ها خود شامل چند زیرمؤلفه می‌شود. با توجه به تجربه ایران در دوران جنگ این امر که ایران قابلیت تاب‌آوری نسبتاً خوبی را در دوره درگیری از خود نشان داده است محرز است اما نیاز است تا این تاب‌آوری در دوران پساجنگ نیز حفظ شود؛ زیرا با فروکش کردن تهدید بیرونی چالش‌هایی مانند کاهش رفاه، فشارهای اقتصادی و... بیشتر مشهود خواهد شد و امکان به‌هم خوردن انسجام اجتماعی وجود دارد؛ لذا برای مدیریت این دوران سه دسته مداخله ارتباطی، اجتماعی و حکمرانی ارائه شده است.



بیان/شرح مسئله

بحران‌ها شامل رویدادهای ناگهانی و شدید با پیامدهای طبیعی یا انسان‌ساخت هستند. جنگ یکی از پیچیده‌ترین و مخرب‌ترین انواع بحران با آثار امنیتی، اقتصادی، انسانی، اجتماعی و حکمرانی متنوعی است. شدت، مدت و غافلگیری بحران‌ها تعیین‌کننده میزان آثار روانی و اجتماعی آنهاست. تاب‌آوری اجتماعی تعیین می‌کند که جامعه تا چه حد بتواند در برابر فشارهای جنگ مقاومت کند، انسجام خود را حفظ کند و از فروپاشی کارکردهای اساسی جلوگیری کند. تاب‌آوری تنها به معنای تحمل شرایط دشوار و سختی‌ها نیست، بلکه شامل «سازگاری» و «رشد پس از بحران» نیز هست به‌طوری که فرد یا اجتماع آسیب‌دیده بتواند به نحوی توانمند شود که نسبت به وقوع مجدد بحران مقاوم شود. تاب‌آوری اجتماعی در شرایط جنگ به توان جامعه برای حفظ انسجام، همکاری و کارکردهای حیاتی در برابر فشارهای شدید اشاره دارد و موجب می‌شود مردم با وجود ترس و نگرانی، درک معناداری از وضعیت داشته و رفتارهای سازنده‌ای چون صرفه‌جویی، مشارکت و تبعیت از الزامات جمعی را حفظ کنند. در نتیجه از انتشار شایعات، رفتارهای مخرب و فروپاشی اجتماعی جلوگیری می‌شود. این تاب‌آوری ضمن تداوم نسبی فعالیت‌های اقتصادی و خدمات عمومی، امکان اجرای خط‌مشی‌های ضروری را فراهم کرده و با افزایش پذیرش عمومی، مشروعیت حاکمیت را تقویت و هزینه‌های اجرایی را کاهش می‌دهد. همچنین در دوره پس از جنگ، جوامع تاب‌آور با حفظ اعتماد و همکاری، توان بیشتری برای بازسازی و جلوگیری از تعمیق شکاف‌ها و بی‌ثباتی دارند، در حالی که جوامع کمتر تاب‌آور با اختلالات شدیدتر، قطعی‌سازی و هزینه‌های بالای خط‌مشی‌گذاری مواجه می‌شوند؛ بنابراین، تقویت تاب‌آوری اجتماعی شرط اصلی ثبات، بازسازی و آمادگی جامعه برای مواجهه با بحران‌های آینده است.

نقطه‌نظرات/ یافته‌های کلیدی

عوامل زیادی بر تاب‌آوری جامعه در شرایط جنگ تأثیرگذارند. با شناخت این عوامل و تعریف مداخله برای آنها می‌توان به ارتقای تاب‌آوری جامعه کمک کرد. این عوامل عبارت‌اند از: عوامل شناختی و روانی، عوامل اجتماعی، عوامل ارتباطی و رسانه‌ای و عوامل حکمرانی و خط‌مشی‌گذاری. در جدول زیر مؤلفه‌های مرتبط با این عوامل آورده شده است.



جدول ۱. تعیین‌کننده‌های تاب‌آوری جامعه در شرایط پساجنگ

تعیین‌کننده‌های تاب‌آوری جامعه در شرایط جنگ	
عوامل شناختی و روانی	۱. معناسازی و تفسیر شناختی ۲. تنظیم هیجانات جمعی ۳. وضعیت تحقق انتظارات ۴. انعطاف‌پذیری شناختی ۵. دلبستگی و تعلق ملی
عوامل اجتماعی	۱. انسجام اجتماعی - اعتماد اجتماعی - هویت اجتماعی مشترک - اقدام جمعی - روابط فراگیر ۲. حمایت اجتماعی ۳. خودکارآمدی جمعی ۴. حفظ هنجارها و روال‌های عادی ۵. تعامل با سنت‌های دینی و معنوی
عوامل ارتباطی و رسانه‌ای	۱. اعتماد به رسانه‌های رسمی ۲. انتشار اطلاعات نادرست و اخبار جعلی ۳. محتوای ارتباطاتی و رقابت روایت‌ها ۴. شیوه ارتباطات عمومی
عوامل حکمرانی و خط‌مشی‌گذاری	۱. اعتماد به حاکمیت ۲. ادراک عدالت در هزینه‌های جنگ ۳. حمایت سازمانی و نهادی ۴. ادراک کنترل‌پذیری شرایط ۵. کارکرد واقعی نظام حکمرانی

مأخذ: یافته‌های پژوهش.

پیشنهاد راهکار تقنینی، نظارتی یا سیاستی

ایران طی یک سال گذشته دو جنگ جدی را پشت سر گذاشته و جامعه در دوران درگیری، تاب‌آوری نسبتاً بالایی از خود نشان داده است. با این حال، تاب‌آوری پدیده ثابتی نیست و در دوره فروکش نمودن نسبی جنگ ممکن است کاهش یابد، زیرا با فروکش تهدید بیرونی، پیامدهای واقعی جنگ مانند فشار اقتصادی، اختلال خدمات و کاهش رفاه آشکار می‌شود. در این مرحله ریسک‌هایی مانند ادراک نابرابری در هزینه‌ها، فاصله روایت رسمی با تجربه مردم و افت احساس عاملیت اجتماعی می‌توانند انسجام را تضعیف کنند. دوران جنگ رمضان به دلیل طولانی‌تر بودن و آسیب‌زیرساختی، احتمال فشارهای بیشتری دارد؛ بنابراین، مدیریت تاب‌آوری در دوره پساجنگ ضروری است و نیازمند یک نظام رصد چندبعدی برای سنجش دقیق آسیب‌پذیری‌ها و طراحی خط‌مشی‌های هدفمند و مبتنی بر شواهد است تا انسجام و ثبات اجتماعی حفظ شود.

برای شکل‌دهی یک جامعه تاب‌آور لازم است در دو سطح مکمل خط‌مشی‌گذاری شود: نخست، کاهش واقعی فشارهای ناشی از جنگ اعم از پرداختن به مسائل اقتصادی و معیشتی، حفظ خدمات حیاتی، توزیع عادلانه هزینه‌ها و تضمین کارکرد مؤثر حکمرانی؛ و دوم، توجه هدفمند به ابعاد شناختی-روانی، اجتماعی و ارتباطی تاب‌آوری جامعه، از طریق تقویت اعتماد، مدیریت انتظارات، تنظیم هیجانات جمعی، فعال‌سازی شبکه‌های اجتماعی و تقویت احساس حمایت و کنترل‌پذیری. جدول ۲ راهبردها و توصیه‌های سیاستی مرتبط با این امر را مورد اشاره قرار داده است.

جدول ۲. راهبردها و توصیه‌های سیاستی ارتقای تاب‌آوری در دوره پساجنگ

راهبردها و توصیه‌های سیاستی ارتقای تاب‌آوری	
مدیریت و بازتنظیم انتظارات عمومی	مداخلات ارتباطی
تقویت معناسازی و ارائه روایت قانع‌کننده از بحران	
مدیریت منسجم روایت‌ها و مقابله با اطلاعات نادرست	
تنظیم و مدیریت هیجانات جمعی	
ارتقای کیفیت پیام‌رسانی و ارتباطات حاکمیت با جامعه	
تقویت احساس خودکارآمدی و اثرگذاری اجتماعی	مداخلات اجتماعی
بازسازی و تقویت هویت ملی فراگیر و احساس تعلق به کشور	
تقویت ادراک حمایت اجتماعی در جامعه	
تقویت و حمایت از شبکه‌های محلی و گروه‌های مردمی	
تقویت ابعاد دینی و معنوی در مواجهه با بحران	
مدیریت ادراک عدالت رویه‌ای در توزیع هزینه‌ها و فشارهای جنگ	مداخلات حکمرانی
تقویت ادراک کنترل‌پذیری و مدیریت فعال بحران	
تقویت و نهادینه‌سازی ادراک حمایت حاکمیت از مردم	
حفظ و تداوم روال‌های عادی زندگی و ثبات اجتماعی	
حمایت هدفمند از گروه‌های آسیب‌دیده و در معرض خطر	
ارتقای ثبات، انسجام و پیش‌بینی‌پذیری در تصمیمات حکمرانی	

مأخذ: همان.



۱. مقدمه

جنگ صرفاً یک پدیده نظامی یا امنیتی نیست، بلکه وضعیتی چندلایه و فرساینده است که به‌طور هم‌زمان ساختارهای اقتصادی، اجتماعی، روانی و شناختی یک جامعه را تحت تأثیر قرار می‌دهد. در چنین شرایطی، تمرکز صرف بر ابعاد سخت قدرت، نظیر توان نظامی یا منابع مادی برای فهم سرنوشت یک جامعه کافی نیست. آنچه تعیین می‌کند یک جامعه تا چه حد می‌تواند در برابر فشارهای جنگی دوام بیاورد، هزینه‌های را تحمل کند و از فروپاشی کارکردهای اساسی خود جلوگیری کند، سطح «تاب‌آوری اجتماعی» آن است. به بیان دیگر، جنگ نه تنها در میدان نبرد، بلکه در لایه‌های عمیق‌تر جامعه، در ادراکات، هیجانات، روابط و ظرفیت‌های جمعی نیز تعیین تکلیف می‌شود.

با این حال، تاب‌آوری اجتماعی مفهومی ساده یا بدیهی نیست. این مفهوم صرفاً به معنای تحمل منفعلانه سختی‌ها یا سازگاری حداقلی با شرایط بحرانی نیست، بلکه ناظر بر توانایی یک جامعه برای حفظ انسجام، تداوم کارکردها، مدیریت فشارها و بازسازی خود در مواجهه با بحران‌های شدید و ممتد است. جامعه تاب‌آور، جامعه‌ای است که در عین مواجهه با نااطمینانی، تهدید و هزینه، دچار فروپاشی روانی و اجتماعی نمی‌شود، اعتماد و همکاری در آن از بین نمی‌رود و ظرفیت کنش جمعی خود را حفظ می‌کند. در عین حال، باید توجه داشت که تاب‌آوری مشاهده شده در مراحل اولیه بحران، لزوماً به معنای پایداری آن در طول زمان یا در دوره پساجنگ نیست و در صورت عدم مدیریت، می‌تواند به تدریج دچار فرسایش شود.

در این گزارش، پرداختن به تاب‌آوری جامعه در شرایط جنگ با رویکرد بینش‌های رفتاری صورت می‌گیرد. به این معنا که به جای تکیه صرف بر تحلیل‌های اقتصادی، سیاسی یا ساختاری، از ظرفیت‌های دانش‌هایی نظیر علوم رفتاری، علوم شناختی، روان‌شناسی اجتماعی و روان‌شناسی شناختی برای فهم و تبیین رفتارها، ادراکات و واکنش‌های جامعه در شرایط جنگی استفاده می‌شود. این رویکرد بر این فرض استوار است که نحوه ادراک مردم از واقعیت‌ها، شیوه معنا دادن به رویدادها، الگوهای تصمیم‌گیری و تعاملات اجتماعی، همگی در شکل‌گیری یا تضعیف تاب‌آوری نقش تعیین‌کننده دارند. از این منظر، تاب‌آوری نه یک ویژگی صرفاً عینی، بلکه پدیده‌ای است که در تعامل میان واقعیت‌های بیرونی و برداشت‌های ذهنی جامعه شکل می‌گیرد و بنابراین، می‌تواند از طریق مداخلات هدفمند در سطح ارتباطات، هنجارها و خط‌مشی‌گذاری، تقویت یا تضعیف شود. در نتیجه از این منظر، تاب‌آوری نه یک وضعیت ایستا، بلکه یک فرایند پویا و وابسته به تصمیمات و مداخلات در سطوح مختلف است.

در زمینه ایران، این مسئله از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. جامعه ایران در سال‌های اخیر با مجموعه‌ای از فشارهای انباشته اعم از اقتصادی، اجتماعی و روانی مواجه بوده و این امر بر ظرفیت آن برای مواجهه با بحران‌های جدید، از جمله شرایط جنگی، تأثیر مستقیم دارد؛ بنابراین، پرداختن به تاب‌آوری اجتماعی در این زمینه، صرفاً یک بحث نظری نیست، بلکه ضرورتی عملی برای جلوگیری از تشدید آسیب‌ها و حفظ ثبات اجتماعی در شرایط بحران است.

این گزارش سیاستی با هدف تبیین ابعاد مختلف تاب‌آوری اجتماعی در شرایط جنگ و ارائه راهبردهای تقویت آن تدوین شده است. در ابتدا، ویژگی‌ها و مختصات شرایط جنگی به عنوان زمینه شکل‌گیری مسئله تشریح می‌شود و سپس مفهوم تاب‌آوری اجتماعی و پیامدهای آن برای جامعه مورد بررسی قرار می‌گیرد. در ادامه، مهم‌ترین تعیین‌کننده‌ها و عوامل مؤثر بر تاب‌آوری تحلیل شده و با تمرکز بر زمینه ایران، وضعیت فعلی و چالش‌های پیش‌رو در این حوزه توصیف می‌شود. در نهایت، براساس این چارچوب تحلیلی، مجموعه‌ای از توصیه‌های سیاستی در سه حوزه مداخلات ارتباطی، اجتماعی و حکمرانی ارائه می‌شود که هدف آنها تقویت ظرفیت جامعه برای مواجهه مؤثر با شرایط جنگی و کاهش فرسایش اجتماعی در طول بحران و پس از آن است.

۲. تعریف تاب‌آوری جامعه در جنگ



فاجعه و بحران به رویدادهایی ناگهانی و غالباً غیرقابل پیش‌بینی اطلاق می‌شود که می‌توانند از خاستگاه‌های متنوعی ناشی شوند و پیامدهایی همچون تخریب، خسارت و آسیب‌های گسترده بر جای گذارند. با توجه به منشأ وقوع، بحران‌ها معمولاً به دو دسته کلی تقسیم می‌شوند: «بحران‌های طبیعی» مانند سیل، زلزله و طوفان و «بحران‌های بشر‌ساز»^۱ که شامل رخدادهایی چون درگیری‌های مسلحانه، قحطی، بحران‌های اقتصادی و شیوع بیماری‌ها هستند. افزون بر این، بحران‌ها را می‌توان براساس شدت، مدت زمان و میزان غیرمنتظره بودن آنها طبقه‌بندی کرد به نحوی که بحران‌های شدیدتر، طولانی‌تر و غافلگیرکننده‌تر معمولاً آثار روان‌شناختی مخرب‌تری بر افراد و جوامع بر جای می‌گذارند [۱].

یکی از جدی‌ترین انواع بحران‌ها، وقوع جنگ میان کشورهاست؛ پدیده‌ای که می‌تواند ساختارهای اساسی یک جامعه را به‌طور فراگیر تحت تأثیر قرار دهد. جنگ دارای پیامدهای چندبعدی است. «پیامدهای اقتصادی» آن شامل تخریب زیرساخت‌ها، تضعیف بنیان اقتصادی کشور، کاهش تولید، تورم شدید، افت ارزش پول ملی، افزایش بیکاری و بروز رکود طولانی مدت است. «پیامدهای انسانی» جنگ نیز گسترده‌اند و خسارات جانی، مجروحیت‌ها و اختلالات روان‌شناختی نظیر اضطراب، افسردگی، اختلال استرس پس از سانحه، ترس مداوم و اختلال در ادراک واقعیت را در بر می‌گیرند. «پیامدهای اجتماعی» شامل افزایش بی‌اعتمادی، فروپاشی هنجارهای اجتماعی، افت سطح آموزش، تشدید نابرابری و شکاف طبقاتی و بروز بی‌ثباتی اجتماعی است. نهایتاً، «پیامدهای سیاسی و حکمرانی» همچون تضعیف نهادهای حکمرانی، تمرکزگرایی بیشتر قدرت، کاهش شفافیت، افت اعتماد عمومی و افزایش احتمال بی‌ثباتی داخلی نیز از تبعات مهم جنگ محسوب می‌شوند.

مفهوم تاب‌آوری شناختی و اجتماعی به مجموعه ظرفیت‌های روان‌شناختی، بین‌فردی و اجتماعی اشاره دارد که فرد، خانواده و جامعه را قادر می‌سازد تا به‌رغم قرار گرفتن در معرض استرس‌های شدید ناشی از جنگ و درگیری‌های مسلحانه، سازگاری مؤثر و پایدار از خود نشان دهند. رویکردهای جدید در مطالعه تاب‌آوری از نگاه سنتی که آن را صرفاً فقدان آسیب روان‌شناختی می‌دانست، فاصله گرفته و بر مدل‌های پویا و چندلایه مبتنی بر عملکرد انطباقی در سطوح زیستی، روانی و اجتماعی تأکید می‌کنند. در این رویکردها، تاب‌آوری نه یک ویژگی ثابت، بلکه فرایندی پویا است که طی آن افراد و گروه‌ها در مواجهه با فشارهای محیطی، عملکرد خود را حفظ یا بازیابی می‌کنند. در بستر جنگ، تاب‌آوری به معنای توان تحمل ناملایمات شدید، حفظ تعادل روانی در میان تهدید و آشفتگی و تسهیل بقا و سازگاری جمعی است [۲]. براساس تعریفی دیگر، یک اجتماع تاب‌آور، توان تحمل ضربه‌های ناشی از خطر را دارد به گونه‌ای که تهدیدها به بحران تبدیل نشوند و قادر است در حین بحران و پس از بحران، به وضعیت عادی بازگردد و حتی سازگاری و تحول مثبت را تجربه کند. در این چارچوب، وقوع اختلال، شرط لازم برای بروز تاب‌آوری دانسته می‌شود؛ چرا که تاب‌آوری تنها به معنای تحمل شرایط دشوار و سختی‌ها نیست، بلکه شامل «سازگاری» و «رشد پس از بحران» نیز هست به‌طوری که فرد یا اجتماع آسیب‌دیده بتواند به نحوی توانمند شود که نسبت به وقوع مجدد بحران مقاوم شود.

درک اساسی از تاب‌آوری در وضعیت جنگ، دو بعد متمایز اما به هم پیوسته را آشکار می‌کند. اول، تاب‌آوری شناختی شامل فرایندهای ذهنی و الگوهای فکری است که تصمیم‌گیری سازگارانه، تنظیم عاطفی و مقابله روانی را در شرایط استرس شدید امکان‌پذیر می‌سازد [۳]. دوم، تاب‌آوری اجتماعی منعکس‌کننده شبکه‌های بین‌فردی، ساختارهای اجتماعی و شیوه‌های فرهنگی است که در پاسخ به آسیب‌های مشترک، معنا، تعلق و عاملیت جمعی را فراهم می‌کند [۴]. این ابعاد در کنار هم، چیزی را ایجاد می‌کنند که محققان آن را «تاب‌آوری یکپارچه» می‌نامند یعنی ترکیبی از منابع روان‌شناختی داخلی و حمایت‌های اجتماعی خارجی که به‌رغم چالش‌های عمیق جنگ، پایداری را ممکن می‌سازد.

از منظر دامنه اثرگذاری، تاب‌آوری را می‌توان در سه سطح متمایز بررسی کرد: فردی، اجتماعی و جامعه. تاب‌آوری فردی پیشینه‌ای طولانی در روان‌شناسی دارد، در حالی که تاب‌آوری اجتماعی و جامعه مفاهیمی نسبتاً نوظهور به شمار می‌روند. در ادبیات پژوهشی، ارتباط دقیق و ساختارمند میان این سطوح به‌روشنی تبیین نشده است. افزون بر این، نوع بحران نیز با سطح مورد نیاز تاب‌آوری ارتباط مستقیم دارد؛

1. Human-made crises



برای مثال، بحران‌های طبیعی معمولاً منطقه‌ای بوده و نیازمند تاب‌آوری در سطح اجتماع‌اند، در حالی که بحران‌های فراگیر؛ مانند جنگ یا بحران‌های اقتصادی کل جامعه یا ملت را تحت تأثیر قرار داده و لزوم تقویت تاب‌آوری در سطح جامعه را برجسته می‌سازند.

۳. پیامدهای تاب‌آوری جامعه در جنگ



تاب‌آوری جامعه می‌تواند پیامدهای بسیار زیادی برای کشور خصوصاً در شرایط جنگ و پس از آن به همراه داشته باشد. این تاب‌آوری به معنای توانایی جامعه در حفظ انسجام، همکاری و کارکردهای حیاتی خود در برابر فشارها و چالش‌هاست. در جوامع تاب‌آور، افراد به‌رغم وجود حدی از ترس و نگرانی، تصویری معنادار از وضعیت فعلی دارند و روایت‌های رسمی با تجربه‌های واقعی‌شان فاصله چندانی ندارند. همین امر باعث می‌شود امید و واقع‌بینانه در جامعه حفظ شود و هیجان‌های جمعی تا حدی قابل مدیریت باقی بماند. در چنین شرایطی، هنجارهای اجتماعی مانند همکاری، انصاف و اعتماد نسبی میان افراد تداوم پیدا می‌کند و جامعه می‌تواند در برابر فشارهای شدید نیز از فروپاشی اجتماعی جلوگیری کند.

در این وضعیت، رفتارهای همکاری گرایانه مانند صرفه‌جویی، مشارکت در امور عمومی و تبعیت نسبی از خط‌مشی‌های اتخاذ شده بیشتر مشاهده می‌شود و از فراگیر شدن رفتارهای مخرب مانند احتکار، تقلب، قانون‌گریزی یا رقابت مخرب بر سر منابع جلوگیری می‌شود. همچنین در جامعه‌ای که از سطحی از تاب‌آوری برخوردار است، ظرفیت تشخیص و مدیریت اطلاعات نادرست بالاتر است و از گسترش سریع و وسیع شایعات و اخبار جعلی که می‌تواند موجب تشدید ترس، بی‌اعتمادی و رفتارهای هیجانی شود تا حدی جلوگیری می‌شود. در مقابل، در جوامعی با تاب‌آوری پایین، انتشار سریع شایعات و اطلاعات نادرست می‌تواند به بی‌ثباتی هیجانی، تشدید اضطراب عمومی و کاهش اعتماد اجتماعی دامن بزند.

تاب‌آوری اجتماعی علاوه بر پیامدهای کوتاه‌مدت، آثار مهمی بر پایداری کارکردهای اساسی جامعه نیز دارد. در جوامع تاب‌آور، تداوم کارکردهایی مانند فعالیت اقتصادی، ارائه خدمات عمومی و حفظ نظم اجتماعی با اختلال کمتری مواجه می‌شود و امکان اجرای خط‌مشی‌هایی که برای کشور ضروری هستند اما ممکن است در کوتاه‌مدت فشار و سختی برای مردم به همراه داشته باشند، بیشتر فراهم می‌شود. در چنین شرایطی، اگر تصمیمات تا حدی قابل فهم و عادلانه تلقی شوند، جامعه آمادگی بیشتری برای پذیرش هزینه‌های جمعی و همکاری با خط‌مشی‌گذار خواهد داشت. تاب‌آوری به تقویت مشروعیت حاکمیت و کاهش هزینه‌های اجرایی خط‌مشی‌ها کمک می‌کند. در جوامع تاب‌آور، دولت‌ها می‌توانند تصمیمات عادلانه و قابل قبولی اتخاذ کنند که به‌طور طبیعی مورد پذیرش عموم قرار گیرد. این در حالی است که فقدان تاب‌آوری منجر به فرسایش مقبولیت خط‌مشی‌ها و نیاز به کنترل‌های سخت و اجباری می‌شود که به تشدید ناامیدی و تنش‌های اجتماعی منجر می‌شود. این امر بدان معنا نیست که جامعه تاب‌آور در برابر تصمیمات خنثی است و مردم در آن جامعه نگاه انتقادی و پرسشگر ندارند. بلکه در این جوامع مردم می‌توانند نارضایتی خود را به‌صورت سازنده و در چارچوب‌های مدنی با رعایت قوانین و ملاحظات امنیت ملی بیان کنند.

از سوی دیگر، تاب‌آوری اجتماعی نقش مهمی در دوره پس از بحران نیز ایفا می‌کند. جوامعی که در طول بحران توانسته‌اند هنجارهای همکاری، اعتماد نسبی و سرمایه اجتماعی خود را حفظ کنند، ظرفیت بسیار بیشتری برای بازسازی اقتصادی، اجتماعی و نهادی پس از جنگ دارند. در مقابل، ایجاد بحران در جوامعی با سطح پایین تاب‌آوری، می‌تواند به تعمیق شکاف‌های اجتماعی، افزایش قطبی‌سازی و تضعیف انسجام اجتماعی منجر شود. در چنین شرایطی احتمال بروز بی‌ثباتی داخلی افزایش می‌یابد، کارکردهای اساسی جامعه مانند اقتصاد و خدمات عمومی با اختلال بیشتری مواجه می‌شوند و اجرای خط‌مشی‌های عمومی نیز پرهزینه‌تر و دشوارتر خواهد شد؛ بنابراین، تاب‌آوری اجتماعی نه تنها در بهبود وضعیت جامعه در کوتاه‌مدت مؤثر است، بلکه تأثیرات عمیق و درازمدتی بر ساختار اجتماعی، اقتصادی و سیاسی کشور در

دوره‌های پس از بحران خواهد داشت و سبب حفظ ثبات اجتماعی و فراهم کردن زمینه بازسازی و بهبود در دوره پس از جنگ می‌شود. این پیامدها می‌توانند به شکل‌گیری یک جامعه قدرتمندتر و منسجم‌تر منجر شوند که در سال‌های آینده قادر به مواجهه با چالش‌های جدید باشد. از این رو، تقویت تاب‌آوری اجتماعی باید به عنوان یک اولویت اساسی در خط‌مشی‌گذاری‌ها در نظر گرفته شود.

۴. تعیین‌کننده‌های تاب‌آوری جامعه در جنگ

تاب‌آوری یک جامعه در شرایط جنگ محصول شبکه‌ای از سرمایه‌ها، توانمندی‌ها و ویژگی‌های آن جامعه، افراد و همچنین سیستم حکمرانی آن است. مجموع این عوامل که در سطوح گوناگون فردی، اجتماعی و نهادی عمل می‌کنند، تعیین‌کننده میزان تاب‌آوری جامعه در برابر شرایط جنگ و بحران‌های ناشی از جنگ هستند. این عوامل تعیین‌کننده را می‌توان مجموعاً ذیل چهار دسته عوامل شناختی و روانی، عوامل اجتماعی، عوامل مرتبط با ارتباطات و رسانه و نهایتاً عوامل مرتبط با حکمرانی مطرح کرد. در ادامه عوامل تعیین‌کننده میزان تاب‌آوری جامعه ذیل این چهار دسته مطرح می‌شود.

۴-۱. عوامل شناختی و روانی

تاب‌آوری در شرایط جنگ شامل چندین ظرفیت روان‌شناختی به هم پیوسته است. «معناسازی و تفسیر شناختی» از مهم‌ترین عوامل مؤثر بر میزان تاب‌آوری است. معناسازی، فرایندی است که افراد از طریق آن تجربه‌های آسیب‌زا را در قالب روایت‌های شخصی منسجم معنادار بازسازی می‌کنند. در اصل تاب‌آوری بیش از آنکه مربوط به نحوه مواجهه با سختی‌ها باشد، مرتبط با تفسیر سختی‌هاست. هیچ جامعه‌ای بدون روایت قانع‌کننده از معنا و هدف بحران و هزینه‌ها و سختی‌های ناشی از آن تاب نمی‌آورد. اگر مردم پاسخ معناداری برای علت وقوع جنگ، هدف مقابله با دشمن، چرایی تحمل سختی‌ها و هزینه دادن‌ها و افق پایان نداشته باشند، با توجه به فعالیت‌های رسانه‌ای دشمن جهت ایجاد احساسات منفی در جامعه ذهن‌شان به سمت بی‌معنایی و بدبینی می‌رود و این امر موجب می‌شود تا میزان تاب‌آوری به شدت کاهش یابد. برای مثال اینکه، سختی‌ها و رنج‌های ناشی از جنگ، چارچوب معنایی هزینه‌تحمیلی و اجباری بگیرد یا چارچوب استقامت، فداکاری، سرمایه‌گذاری و درد کوتاه در مقابل پیروزی بلندمدت، در میزان تاب‌آوری مردم مؤثر است.

عامل روان‌شناختی دوم، ظرفیت «تنظیم هیجانات» است. تنظیم و مدیریت هیجانات خصوصاً در سطح جمعی مولفه‌ای مهم در تاب‌آوری جامعه است. تنظیم هیجانات، ظرفیت تشخیص، درک و تعدیل پاسخ‌های عاطفی به تهدیدهاست که در طی آن منابع شناختی به نتایج تاب‌آوری تبدیل می‌شوند. از آنجایی که هیجانات جمعی از تعیین‌کننده‌های مهم رفتار جمعیت‌ها هستند، یک تنظیم هیجانی مؤثر شامل تنظیم کاهشی یعنی کاهش هیجانات ناسازگار در بحران مانند مهار احساس ترس و وحشت و کاهش ناامیدی و تنظیم افزایشی یعنی تشدید هیجانات لازم در زمان جنگ و مقابله با دشمن مانند هدایت خشم به سمت دشمن، حفظ امید، تشدید احساس شفقت و عزم و سرسختی است. برای تنظیم هیجانات جمعی روش‌ها و ابزارهای متنوعی وجود دارد و عوامل مختلفی بر این هیجانات تأثیرگذار است. اما به‌طور کلی از طریق آیین‌ها، اعمال نمادین، روایت‌های رسانه‌ای و لحن رهبری قابل مدیریت خواهد بود. برای مثال تأثیر لحن رهبری بدین صورت است که وجود اطمینان و استحکام در صحبت‌های شخص رهبر موجب می‌شود تا همین حس به مردم منتقل شود. مرتبط با تنظیم احساسات، به‌طور کلی احساس «دلبستگی و تعلق ملی» (دلبستگی به مکان و احساس تعلق به آن) که پیوندی عاطفی با کشور و شهر درگیر در بحران جنگ است سبب می‌شود تمایل به فرار و دوری و اجتناب کاهش پیدا کند و تحمل سختی‌ها و استقامت بیشتر شده و برای فرد معنادارتر شود و از این طریق تاب‌آوری افزایش پیدا کند.



«**انعطاف‌پذیری شناختی**» یعنی توانایی تطبیق الگوهای تفکر و رویکردهای حل مسئله در پاسخ به شرایط در حال تغییر، یکی دیگر از عوامل روان‌شناختی مؤثر در تاب‌آوری حین بحران است. به عبارت دیگر، انعطاف‌پذیری شناختی توانایی تغییر بین مجموعه‌های ذهنی مختلف، در نظر گرفتن دیدگاه‌های متعدد و توانایی به‌روزرسانی باورها بدون فروپاشی جهان‌بینی است. در جنگ، جایی که شرایط به سرعت تغییر می‌کند و تجربه‌های قبلی ممکن است شرایط آینده را پیش‌بینی نکند، انعطاف‌پذیری شناختی امکان ارزیابی مجدد سریع موقعیت‌ها و تنظیم استراتژی‌ها را فراهم می‌کند.

در نهایت «**وضعیت تحقق انتظارات**» نیز از تعیین‌کننده‌های روان‌شناختی تاب‌آوری یک جامعه در بحران است. سریع‌ترین روش برای از بین بردن تاب‌آوری، شکست در میدان جنگ و ایجاد هزینه‌های عینی زیاد نیست؛ بلکه نقض شدن انتظارات است. انتظاراتی که برای جامعه در شرایط جنگ شکل می‌گیرد (مانند انتظار مردم از شکل و زمان پیروزی، انتظار از شیوه مقابله با دشمن، انتظار از هزینه‌ها و خسارت‌های جنگ و غیره) و تحقق یا فقدان آنها می‌تواند آثار بسیار مستقیمی بر تاب‌آوری جامعه و حتی سایر نگرش‌ها و رفتارها اعم از باور به پیروزی، باور به قدرت و اقتدار، اعتماد به حاکمیت، امید به آینده، تمایل به مشارکت اجتماعی و غیره داشته باشد؛ بنابراین تورم انتظارات جامعه و شکل‌گیری انتظارات بیش از حد خوش‌بینانه و امیدوارکننده می‌تواند سبب فروپاشی و نقض انتظارات شود و به‌طور مستقیم تاب‌آوری اجتماعی را متزلزل کند.

۲-۴. عوامل اجتماعی

تاب‌آوری یک جامعه در جنگ شامل چندین بُعد به هم پیوسته از شایستگی‌های اجتماعی است. از مهم‌ترین ویژگی‌های یک جامعه تاب‌آور، وجود ظرفیت جمعی گروه‌های اجتماعی برای مقاومت و بهبودی از ناملایمات است. این ظرفیت جمعی که مؤلفه‌های اجتماعی تاب‌آوری محسوب می‌شود شامل انسجام اجتماعی، خودکارآمدی جمعی، زیرساخت و ادراک حمایت اجتماعی، پایداری هنجارها و روال‌های جامعه و نهایتاً تعامل با سنت‌های دینی و معنوی است.

«**انسجام اجتماعی**» که از مهم‌ترین عوامل مؤثر بر قدرت تاب‌آوری یک جامعه است، شامل چهار مؤلفه «اعتماد اجتماعی»، «هویت اجتماعی مشترک»، «اقدام جمعی» و «روابط فراگیر» است و با ایجاد پیوندهای رابطه‌ای لازم برای کمک متقابل و اثربخشی جمعی فشار بحران‌ها را کم کرده و تحمل و تاب‌آوری جامعه را تقویت می‌کند. جوامعی با انسجام اجتماعی قوی، ظرفیت انطباقی بالاتری را در موقعیت‌های اضطراری از جمله جنگ، نشان می‌دهند. همچنین انسجام اجتماعی به‌طور مستقیم بهبودی سریع‌تر پس از بحران‌ها و آسیب‌های ناشی از جنگ را نیز پیش‌بینی می‌کند. «**اعتماد اجتماعی**» به معنی انتظار مشترک مردم و گروه‌های اجتماعی از یکدیگر است که در تعاملات اجتماعی رفتاری صادقانه، منصفانه و قابل پیش‌بینی خواهند داشت. این اعتماد اجتماعی مستقیماً با تاب‌آوری جامعه در بحران‌ها مرتبط است؛ زیرا سطح همکاری، همبستگی و توان تحمل فشارها را تعیین می‌کند. «**هویت ملی**» ضلع دیگر انسجام اجتماعی است. از آنجایی که بحران‌ها و جنگ قابلیت این را دارد که سلسله‌مراتب هویت‌های اجتماعی را فشرده کند، اگر حین بحران و پس از آن هویت ملی فعال‌سازی شود و به عنوان هویتی غالب در جامعه فراگیر شود، می‌تواند همبستگی و انسجام ملی را افزایش دهد و با یکپارچه و متحد کردن جامعه و فعال کردن آن برای مقابله با تهدیدات بیرونی، تاب‌آوری جامعه را ارتقا دهد. وجود «**روابط فراگیر**» و پیوندهای افقی در جامعه نیز از مؤلفه‌های مهم انسجام اجتماعی است. جامعه‌ای تاب‌آور است که در آن مردم فقط به دولت وابسته نباشند و به عبارت دیگر گروه‌های اجتماعی، خانواده‌ها، شبکه‌های محلی و گروه‌های غیررسمی بتوانند بخشی از بار بحران را بر عهده بگیرند. جامعه فردگرای افراطی و جامعه‌ای که افراد آن دچار انزوای اجتماعی هستند و پیوندهای شبکه‌های اجتماعی در آن ضعیف است، آسیب‌پذیری بالایی را در بحران‌ها نشان می‌دهند و تاب‌آوری کمتری نیز خواهند داشت. «**اقدام جمعی**» ضلع آخر انسجام اجتماعی را تشکیل می‌دهد. از آنجایی که تاب‌آوری فقط نگرش نیست و رفتار پایداری نیز بخش مهمی از آن است، رفتارهای سودمند جمعی و مشارکت اجتماعی و سیاسی از مهم‌ترین عوامل مؤثر در تاب‌آوری جامعه است.

مشارکت اجتماعی، کمک متقابل، همکاری، تبعیت، رعایت دستورالعمل‌ها، رفتارهای مصرف بهینه، مشارکت در کمک‌رسانی‌ها و غیره از نمونه‌های اقدام‌های و رفتارهای سودمند جمعی هستند که فراگیر بودن آنها به تاب‌آوری جامعه در بحران کمک بسزایی خواهد کرد.

«حمایت اجتماعی» عامل دیگر تعیین‌کننده قدرت تاب‌آوری یک جامعه در زمان بحران است و یکی از قوی‌ترین عوامل محافظت‌کننده جامعه در برابر افت تاب‌آوری است. حمایتی که می‌تواند در جامعه و بین مردم در زمان بحران وجود داشته باشند، شامل انواع مختلف حمایت عاطفی (ارائه همدلی و اعتبارسنجی احساسات)، حمایت اطلاعاتی (ارائه راهنمایی و دیدگاه‌ها)، حمایت ابزاری (ارائه کمک عملی) و حمایت همراهی (حفظ ارتباط اجتماعی معنادار) است. نکته قابل توجه این است که بین حمایت اجتماعی ادراک شده (حس ذهنی در دسترس بودن حمایت) و حمایت اجتماعی دریافتی (دریافت واقعی حمایت) تمایز وجود دارد. اگر چه هر دو بعد حمایت اجتماعی اهمیت دارند؛ اما حمایت ادراک شده اغلب ارتباط قوی‌تری با تاب‌آوری اجتماعی دارد. همچنین کیفیت و تناسب فرهنگی حمایت اجتماعی به‌طور قابل توجهی اهمیت دارد. حمایت عمومی اگر با زمینه‌های فرهنگی و نیازهای فردی سازگار نباشد، ممکن است بی‌اثر باشد.

«خودکارآمدی جمعی» یک مؤلفه اجتماعی حیاتی از تاب‌آوری در زمان بحران و جنگ است. کارآمدی جمعی یعنی باور مشترک بین اعضای یک جامعه مبنی بر اینکه می‌توانند به‌طور مؤثر برای دستیابی به اهداف مشترک با یکدیگر همکاری کنند و به‌طور جمعی مشکلات را حل کرده و در وضعیت و نتیجه بحران مؤثر باشند. به‌طور کلی وقتی مردم احساس کنند مهم هستند و می‌توانند در سرنوشت جنگ و پیامدهای آن نقش مؤثری داشته باشند، تحمل و تاب‌آوری بیشتری خواهند داشت. احساس مفید بودن در بحران‌ها حتی با فعالیت‌های بسیار کوچکی که به‌عنوان اقدام‌های مؤثر قاب‌بندی شوند، می‌توانند آثار قابل توجهی داشته باشند. تحقیقات پیرامون جمعیت‌های در معرض جنگ و بحران نشان می‌دهد، جوامعی با کارآمدی جمعی بالا، ظرفیت سازگاری بیشتر، زمان بهبودی سریع‌تر، انگیزه بیشتر برای تلاش و مشارکت، خشم و درگیری اجتماعی کمتر و سلامت روان بالاتری به نسبت جوامع با ادراک خودکارآمدی کمتر دارند.

در شرایط جنگ، «پایداری هنجارها و حفظ روال‌های عادی» مانند رعایت نوبت در صف‌های توزیع کالا، پایبندی به قیمت‌گذاری منصفانه، تداوم رعایت قواعد عمومی، حفظ شیوه‌های قبلی تهیه کالا و خدمات عمومی نشان‌دهنده تداوم نظم اجتماعی و پیش‌بینی‌پذیری رفتارهاست و به تقویت تاب‌آوری جامعه کمک می‌کند. در مقابل، فرسایش این الگوهای رفتاری و شکل‌گیری ادراک فراگیر از نقض قواعد و روال‌های عادی به تضعیف اعتماد متقابل و کاهش همکاری اجتماعی منجر شده و در نهایت ظرفیت جامعه برای تحمل فشار و حفظ کارکردهای خود را کاهش می‌دهد.

«تعامل فعال با سنت‌های دینی، مذهبی و معنوی» نیز یکی از منابع مهم تقویت تاب‌آوری اجتماعی در شرایط جنگ محسوب می‌شود. روایت‌های دینی و فرهنگی با فراهم کردن چارچوبی برای تفسیر رنج، تبیین چرایی جنگ و معنا بخشیدن به سختی‌ها، به کاهش بی‌معنایی و افزایش تحمل فشار کمک می‌کنند. همچنین، مشارکت در مناسک جمعی و بهره‌گیری از شیوه‌های مقابله مذهبی مانند دعا، نیایش و توسل به‌عنوان سازوکارهای تنظیم هیجانی و تقویت همبستگی اجتماعی عمل کرده و ظرفیت جامعه برای مواجهه با پیامدهای جنگ را افزایش می‌دهد. جوامعی که این دانش و کنش‌های فرهنگی را حفظ و به‌صورت بین‌نسلی منتقل می‌کنند، معمولاً از انسجام و تاب‌آوری بیشتری برخوردار هستند.

۳-۴. عوامل ارتباطی و رسانه‌ای

سومین دسته از عوامل مؤثر بر وضعیت تاب‌آوری جامعه در شرایط جنگ، به مجموعه‌ای از متغیرهای مرتبط با ارتباطات عمومی و نظام رسانه‌ای مربوط می‌شود. نخستین عامل در این حوزه، میزان «اعتماد به رسانه‌های رسمی» یعنی اعتماد عمومی به منابع اطلاعاتی و رسانه‌های رسمی است. هنگامی که مردم به کانال‌های رسمی اطلاع‌رسانی و خبری اعتماد داشته باشند و اخبار و اطلاعات مرتبط با جنگ و بحران‌های ناشی از آن را از این مسیرها معتبر تلقی کنند، یکی از پایه‌های اساسی شکل‌گیری و تقویت تاب‌آوری جامعه فراهم می‌شود. در



واقع هر چه اعتبار رسانه‌ها و نهادهای رسمی در انتقال اخبار و تحلیل‌های مرتبط با بحران بالاتر باشد، ظرفیت جامعه برای حفظ انسجام و تاب‌آوری افزایش می‌یابد.

عامل دوم که ارتباط نزدیکی با عامل پیشین دارد، وضعیت «انتشار اطلاعات نادرست و اخبار جعلی» در زمان جنگ است. گسترش شایعات و اطلاعات غیر موثق می‌تواند به‌طور جدی موجب افزایش آسیب‌پذیری جامعه شود و ظرفیت تحمل و تاب‌آوری اجتماعی را کاهش دهد؛ زیرا این اطلاعات با ایجاد ابهام، بی‌اعتمادی و تشدید اضطراب جمعی، توان جامعه را برای مواجهه عقلانی با شرایط بحران کاهش می‌دهند، در این جا تقویت سواد رسانه‌ای می‌تواند تأثیر بالایی در ارتقاء تاب‌آوری داشته باشد.

سومین عامل به «محتوای ارتباطاتی و رقابت روایت‌ها» مربوط است. در جنگ‌های معاصر، منازعات صرفاً به عرصه نظامی محدود نمی‌شود و بخش مهمی از آن در قالب جنگ روایت‌ها میان طرف‌های درگیر شکل می‌گیرد. از این رو، توانایی هر طرف در تولید و تثبیت روایت خود و همچنین در جلب و حفظ توجه افکار عمومی نسبت به آن روایت، از عوامل تعیین‌کننده در سرنوشت جنگ و نیز در میزان آسیب‌پذیری جامعه در برابر پیامدهای آن به شمار می‌رود.

عامل چهارم یعنی «شیوه ارتباطات عمومی» به نحوه و الگوی برقراری ارتباط با جامعه مربوط است. در این زمینه، برخورداری از ارتباطات معتبر، مستمر و شفاف با مردم اهمیت اساسی دارد. وجود ساز و کارهای پاسخ‌گویی در فرایند ارتباطات عمومی نیز ضروری است تا در صورت شکل‌گیری پرسش، ابهام یا تردید در میان مردم، نهادهای مسئول بتوانند پاسخ‌های روشن و قابل‌اتکا ارائه دهند. همچنین در صورتی که میان روایت‌های رسمی و واقعیت زیسته افراد شکاف ایجاد شود، یا پیام‌های ارتباطی دچار تناقض باشند، ثبات تفسیری و اعتماد عمومی تضعیف خواهد شد. افزون بر این، در صورت شکل‌گیری خلأهای اطلاعاتی، این خطاها غالباً با بدبینانه‌ترین برداشت‌ها، شایعات و اطلاعات نادرست پر می‌شوند.

در مجموع، این چهار مؤلفه ارتباطی و رسانه‌ای از آن جهت اهمیت دارند که در تنظیم روایت‌ها، شکل‌دهی به انتظارات و مدیریت هیجانات جمعی نقش تعیین‌کننده ایفا می‌کنند و از این طریق، تأثیر قابل‌توجهی بر سطح تاب‌آوری جامعه در مواجهه با بحران‌هایی نظیر جنگ خواهند داشت.

۴-۴. عوامل حکمرانی و خط‌مشی‌گذاری

در تاب‌آوری جامعه در شرایط جنگ، مجموعه‌ای از عوامل مرتبط با نظام حکمرانی نقشی بنیادین و تعیین‌کننده دارند. در این میان، «اعتماد به حاکمیت» به عنوان زیربنای اصلی تاب‌آوری عمل می‌کند به گونه‌ای که در غیاب آن، حتی خط‌مشی‌های صحیح نیز با مقاومت اجتماعی مواجه شده و ظرفیت لازم برای همکاری و تبعیت عمومی تضعیف می‌شود. در واقع، نقطه شکست صرفاً زمانی رخ نمی‌دهد که فشارهای ناشی از جنگ افزایش یابد، بلکه زمانی شکل می‌گیرد که ادراک عمومی نسبت به ناکارآمدی، عدم صداقت، قصد خیانت یا فریب مردم و یا سوءاستفاده احتمالی در نظام حکمرانی تقویت شود. همچنین، بی‌ثباتی و غیرقابل پیش‌بینی بودن خط‌مشی‌ها و قواعد در شرایط بحران با افزایش بار شناختی و اضطراب جمعی، به کاهش ظرفیت تطبیق‌پذیری و در نتیجه افت تاب‌آوری منجر می‌شود.

عامل دوم تعیین‌کننده تاب‌آوری که در اختیار حکمرانی است، «ادراک عدالت در توزیع هزینه‌های جنگ» است. هر چند تحمل سختی‌ها و کمبودها در ذات شرایط جنگی است، اما میزان پذیرش اجتماعی این فشارها و تحمل آنها به شدت تابع این ادراک است که هزینه‌ها به صورت منصفانه و متوازن میان گروه‌های مختلف توزیع می‌شود. در این چارچوب، تاب‌آوری اجتماعی صرفاً تابع شدت فشارهای مادی نظیر گرانی، کمبود کالا یا اختلال در خدمات نیست، بلکه بیش از آن به برداشت مردم از عدالت رویه‌ای وابسته است. تأثیر ادراک عدالت رویه‌ای در تاب‌آوری به معنی این است که مردم آمادگی پذیرش محرومیت‌ها و رنج‌های جنگ را دارند، به شرط آنکه فرایند تصمیم‌گیری و توزیع این هزینه‌ها را عادلانه بدانند. زمانی که این ادراک شکل بگیرد که بار اصلی محدودیت‌ها بر دوش برخی گروه‌ها قرار گرفته و برخی دیگر از آن

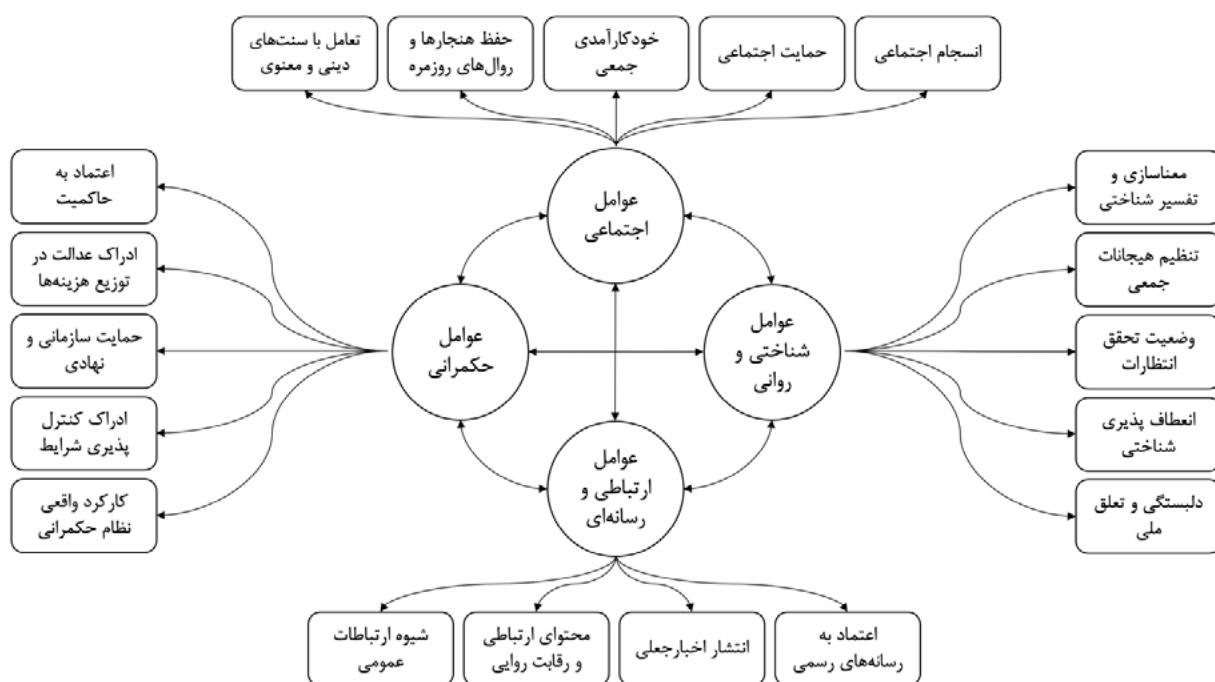
مستثنا هستند، مسئله از سطح مدیریت بحران به سطح نابرابری و تبعیض تغییر کرده و به سرعت موجب فرسایش اعتماد، کاهش انسجام اجتماعی و افت همکاری عمومی می‌شود.

عامل سوم، «ادراک حمایت سازمانی و نهادی» است. زمانی که جامعه این باور را داشته باشد که دولت و نهادهای حاکمیتی با درک شرایط و همدلی نسبت به مردم، در حال بسیج حداکثری ظرفیت‌ها برای کاهش فشارها و مدیریت پیامدهای جنگ هستند، سطح تاب‌آوری افزایش می‌یابد. این ادراک صرفاً به کارکرد فنی محدود نمی‌شود، بلکه شامل احساس توجه، پاسخ‌گویی و همدلی نهادی نیز هست.

در ادامه، «ادراک کنترل‌پذیری شرایط» توسط نظام حکمرانی نیز اهمیت دارد. زمانی که مردم باور داشته باشند که وضعیت جنگ، پیامدهای آن و نتیجه نهایی از کنترل حاکمیت خارج نشده و همچنان امکان مدیریت، اصلاح و هدایت وجود دارد، سطح اضطراب و بی‌ثباتی شناختی کاهش می‌یابد و ظرفیت تاب‌آوری تقویت می‌شود. در مقابل، ادراک از بی‌اختیاری سیستم به تشدید ناامنی روانی و کاهش اعتماد منجر می‌شود.

در نهایت، نباید از «کارکرد واقعی و عینی نظام حکمرانی» غفلت کرد. تاب‌آوری اجتماعی بدون حداقلی از کارآمدی نهادی و تداوم خدمات حیاتی امکان‌پذیر نیست. اختلال در زنجیره تأمین، ناپایداری در خدمات پایه مانند آب، برق و غذا، یا ناتوانی در پاسخ عملی به نیازهای اساسی جامعه، حتی در حضور روایت‌های قوی یا سرمایه نمادین، به تنهایی می‌تواند ظرفیت تاب‌آوری را به‌طور جدی تضعیف کند.

شکل ۱. عوامل تعیین‌کننده تاب‌آوری جامعه در جنگ



مأخذ: یافته‌های پژوهش.



۵. تاب‌آوری جامعه ایران در چرخه جنگ



ایران در کمتر از یک سال، تجربه دو جنگ جدی با آمریکا و اسرائیل یعنی جنگ ۲۱ روزه و جنگ رمضان را پشت سر گذاشته است. بررسی وضعیت تاب‌آوری اجتماعی در این دو مقطع، از حیث استخراج درس‌های سیاستی برای حکمرانی، اهمیت بالایی دارد. با این حال، فهم دقیق این موضوع مستلزم توجه به یک نکته کلیدی است: تاب‌آوری اجتماعی پدیده‌ای ایستا نیست، بلکه در چرخه جنگ، دارای پویایی زمانی مشخصی است. به بیان دیگر، تحلیل تاب‌آوری را نمی‌توان صرفاً به دوره درگیری نظامی محدود کرد، بلکه باید آن را در سه بازه متمایز پیش از جنگ، حین جنگ و پس از جنگ مورد بررسی قرار داد.

شواهد و تحلیل‌های موجود نشان می‌دهد که جامعه ایران در خلال دو جنگ اخیر، از سطح نسبتاً قابل قبول تاب‌آوری برخوردار بوده است. سطح همکاری اجتماعی و تبعیت از الزام‌های عمومی حفظ شده، اختلال جدی در نظم عمومی و روال‌های روزمره مشاهده نشده، الگوهای مصرف دچار رفتارهای هیجانی گسترده نظیر هجوم به خرید و ایجاد کمبود نشده و واکنش‌های اعتراضی شدید بروز نیافته است. مجموعه این شرایط نشان‌دهنده حفظ حداقلی از کارکرد، انسجام و همکاری اجتماعی در شرایط فشار ناشی از جنگ است. با این حال، تاب‌آوری مشاهده شده در دوره جنگ، لزوماً نشان‌دهنده پایداری آن در دوره پساجنگ نیست و تعمیم این الگو به آینده، بدون توجه به تغییر شرایط، می‌تواند گمراه‌کننده باشد؛ زیرا تاب‌آوری یک ویژگی ثابت نیست و به شدت وابسته به شرایط زمینه‌ای، نحوه حکمرانی و تحولات ادراکی و هیجانی جامعه در طول زمان است.

در این میان، اگرچه تاب‌آوری در دوره حین جنگ اهمیت بالایی دارد، اما دوره پس از جنگ از حیث پایداری اجتماعی و سیاسی، حساس‌تر و تعیین‌کننده‌تر است. در این بازه، پیامدهای واقعی جنگ از جمله فشارهای اقتصادی، اختلال در زیرساخت‌ها و کاهش رفاه عمومی به تدریج نمایان می‌شود. هم‌زمان، با کاهش شدت تهدید بیرونی، انسجام ناشی از همگرایی در برابر تهدید تضعیف شده و شکاف‌ها و اختلافات داخلی میان گروه‌های اجتماعی مجدداً برجسته می‌شود. همچنین، افزایش موقتی اعتماد به حاکمیت در دوره جنگ به تدریج به سطح پیشین بازمی‌گردد.

در چنین شرایطی، مجموعه‌ای از ریسک‌های مشخص می‌تواند تاب‌آوری اجتماعی را در دوره پساجنگ تضعیف کند: افزایش ادراک نابرابری در توزیع هزینه‌های جنگ و در نتیجه بروز نارضایتی و حتی اعتراض و اغتشاش؛ تعمیق شکاف میان روایت‌های رسمی و تجربه زیسته مردم؛ شکل‌گیری احساس پشیمانی از جنگ در صورت بی‌معنا شدن هزینه‌های پرداخت شده و کاهش احساس خودکارآمدی اجتماعی، به گونه‌ای که افراد نقش و عاملیت خود را کم‌رنگ دیده و مسئولیت را به‌طور کامل به دولت واگذار کنند. این روند می‌تواند به کاهش مشارکت اجتماعی و تضعیف یکی از پایه‌های اصلی تاب‌آوری منجر شود.

در مورد جنگ رمضان، به دلیل طولانی‌تر بودن دوره درگیری، وارد آمدن آسیب به برخی زیرساخت‌ها و برجسته‌تر شدن ابعاد اقتصادی، انتظار می‌رود فشارهای پساجنگی از جمله افزایش قیمت‌ها، کمبود برخی کالاها و ناپایداری در خدمات پایه مانند برق و گاز در ماه‌های آتی خود را بیشتر نشان دهد. در چنین وضعیتی، مدیریت فعال تاب‌آوری اجتماعی و پیشگیری از فرسایش اعتماد و انسجام اجتماعی و همچنین مدیریت نارضایتی و واکنش‌های اعتراضی به یک اولویت راهبردی برای نظام حکمرانی تبدیل می‌شود. پیرامون جنگ رمضان، تعمیق آگاهی عمومی نسبت به اقتضائات دفاعی، زمینه‌ای برای همراهی آگاهانه و افزایش تاب‌آوری جامعه در برابر چالش‌ها فراهم می‌کند.

پیش‌نیاز اساسی برای این امر، استقرار یک نظام دقیق و چندبعدی برای رصد تاب‌آوری اجتماعی است. این رصد صرفاً نباید به ارزیابی کلی «وجود یا عدم وجود تاب‌آوری» محدود شود، بلکه باید به‌طور مشخص نشان دهد که جامعه در برابر کدام فشارها و آسیب‌ها تاب‌آوری بیشتری دارد و در برابر کدام حوزه‌ها، آسیب‌پذیرتر است. چنین تفکیکی امکان اولویت‌بندی خط‌مشی‌های بازسازی در دوره پساجنگ را فراهم می‌کند و از غفلت نسبت به مسائلی که ممکن است از نظر خط‌مشی‌گذار کم‌اهمیت تلقی شوند؛ اما برای مردم حیاتی‌اند، جلوگیری می‌کند. علاوه بر

این، نظام رصد باید به صورت دقیق مشخص کند که کدام گروه‌های اجتماعی و کدام مناطق جغرافیایی آسیب‌پذیرتر هستند و هر یک با چه نوع نیازها و فشارهایی مواجه‌اند، تا مداخلات سیاستی به صورت هدفمند، متناسب و اولویت‌بندی شده طراحی و اجرا شوند. این پایش می‌تواند مبتنی بر ترکیبی از شاخص‌های افکارسنجی (نظیر اعتماد، امید و ادراک عدالت)، شاخص‌های رفتاری (مانند الگوهای مصرف، مشارکت و تخلفات) و شاخص‌های ارتباطی (از جمله اعتماد به رسانه‌ها و محتوای تعاملات در شبکه‌های اجتماعی) باشد.

در نهایت، مدیریت مؤثر تاب‌آوری اجتماعی در دوره پساجنگ و آمادگی برای مواجهه با بحران‌های آتی، مستلزم تلفیق این آگاهی دقیق با خط‌مشی‌گذاری مبتنی بر شواهد علمی و درک عمیق از پویایی‌های اجتماعی و شناختی جامعه است؛ در غیر این صورت، حتی تجربه موفق نسبی در جنگ‌های گذشته نیز تضمینی برای پایداری در آینده نخواهد بود.

۶. راهبردها و توصیه‌های سیاستی ارتقای تاب‌آوری

در مواجهه با شرایط جنگی، تاب‌آوری اجتماعی نه به صورت خودبه‌خودی شکل می‌گیرد و نه صرفاً محصول ویژگی‌های فرهنگی یا روانی جامعه است، بلکه نتیجه مجموعه‌ای از مداخلات هدفمند در سطوح ارتباطی، اجتماعی و حکمرانی است. تجربه‌های مختلف نشان می‌دهد که نحوه مدیریت انتظارات و روایت‌ها، کیفیت روابط و پیوندهای اجتماعی و نیز ادراک مردم از عدالت، حمایت و کارآمدی حکمرانی، نقش تعیین‌کننده‌ای در میزان تحمل جامعه در برابر فشارها و هزینه‌های جنگ و همچنین پایداری آن در دوره پساجنگ دارد. براین اساس، در این بخش، مجموعه‌ای از راهبردها و توصیه‌های سیاستی در سه حوزه مداخلات ارتباطی، مداخلات اجتماعی و مداخلات حکمرانی ارائه می‌شود که هدف آنها تقویت ظرفیت جامعه برای مواجهه مؤثر با بحران جنگ و پیامدها و هزینه‌های آن، کاهش فرسایش اجتماعی و کارکردهای اساسی جامعه در شرایط جنگی است. به نظر می‌رسد فوریت اعمال مداخلات ارتباطی بیشتر از سایر مداخلات می‌باشد و جایگاه بعدی به ترتیب متعلق به مداخلات حکمرانی و مداخلات اجتماعی می‌باشد.

الف) مداخلات ارتباطی

در شرایط جنگی، نحوه مدیریت ارتباطات عمومی و روایت‌سازی، نقش تعیین‌کننده‌ای در حفظ و تقویت تاب‌آوری جامعه دارد. براین اساس، مجموعه‌ای از مداخلات ارتباطی به شرح زیر توصیه می‌شود:

۱. مدیریت و بازتنظیم انتظارات عمومی

یکی از مهم‌ترین موانع تاب‌آوری اجتماعی، شکل‌گیری و سپس فروپاشی انتظارات غیرواقعی در جامعه است. در صورتی که انتظاراتی بیش از حد خوش‌بینانه و غیرقابل دستیابی درباره نحوه پیروزی، زمان تحقق آن، یا سطح هزینه‌ها و پیامدهای جنگ در افکار عمومی شکل گیرد، عدم تحقق این انتظارات می‌تواند منجر به بروز شوک روانی، احساس شکست، کاهش اعتماد عمومی و تضعیف تاب‌آوری اجتماعی شود. در این راستا، توصیه می‌شود:

■ انتظارات عمومی درباره روند جنگ، نحوه پیروزی، سطح درگیری و هزینه‌های آن از طریق ارائه برآوردهای واقع‌بینانه و پرهیز از وعده‌های قطعی مدیریت شود؛

■ سناریوهای مختلف (خوش‌بینانه، محتمل و بدبینانه) به صورت ضمنی در ارتباطات عمومی منعکس شود؛

■ بازتنظیم مستمر انتظارات جامعه متناسب با تحولات واقعی میدان انجام شود.

۲. تقویت معناسازی و ارائه روایت قانع‌کننده از بحران

معناسازی از بحران و ارائه روایت‌های قانع‌کننده، یکی از ارکان اساسی تاب‌آوری اجتماعی در شرایط جنگی است. در صورتی که افکار عمومی



پاسخ روشنی برای چرایی وقوع جنگ، افق پایان جنگ، ضرورت مقابله با دشمن و لزوم تحمل هزینه‌ها و دشواری‌ها نداشته باشد، زمینه برای شکل‌گیری بی‌معنایی، بدبینی و گرایش به تبیین‌های غیررسمی فراهم می‌شود.

در این راستا، توصیه می‌شود:

- روایت جنگ در افکار عمومی به گونه‌ای بازتعریف شود که چرایی ورود به جنگ، ضرورت مقاومت و افق پیش‌رو را به صورت معنادار تبیین کند؛
- هزینه‌ها و دشواری‌های جنگ در قالب مفاهیمی هم‌چون پیشگیری از هزینه‌های بزرگ‌تر (بیشتر بودن هزینه تسلیم به نسبت مقاومت)، دستیابی به منافع بلندمدت، یا ارزش‌هایی نظیر استقامت و فداکاری بازنمایی شود؛
- از ارائه روایت‌هایی که با تجربه واقعی و زیسته مردم ناسازگار است، پرهیز شود.

۳. مدیریت منسجم روایت‌ها و مقابله با اطلاعات نادرست

از آنجایی که در شرایط جنگی رقابت بر سر روایت‌های یکی از ابعاد اصلی منازعه است، مدیریت روایت‌های رقیب به یکی از وظایف کلیدی نظام حکمرانی تبدیل می‌شود. فقدان روایت‌های رسمی منسجم و به موقع، زمینه را برای گسترش روایت‌های رقیب، شایعات و اطلاعات نادرست فراهم می‌سازد. دورویکرد کل در رابطه با مدیریت روایت‌ها بایستی مورد توجه قرار گیرد: مورد اول آن است که بایستی روایت نظام جمهوری اسلامی روایت غالب بوده و بدین منظور نیست است تا مولفه‌هایی (مانند تقدم زمانی انتشار، انسجام و...) را رعایت نماید و مورد دوم آن است که همانطور که جنگ نظامی نیازمند تهاجم به عنوان رویکردی دفاعی است در عرصه رسانه نیز نسبت به برخی نقاط ضعف دشمن بایستی رویکردی تهاجمی اتخاذ نمود تا جلوی حملات بیشتر آن گرفته شود. در این راستا، توصیه می‌شود:

- روایت‌های رسمی درباره ابعاد مختلف جنگ (از جمله علل وقوع، خسارت‌ها، پیروزی‌ها و شکست‌ها) به صورت به موقع و پیش‌دستانه ارائه شود؛
- انسجام و عدم تناقض در روایت‌های ارائه شده توسط نهادهای مختلف مورد توجه قرار گیرد؛
- از ارائه روایت‌هایی که با واقعیت‌های میدانی و تجربه زیسته مردم ناسازگاری محرز دارد، پرهیز شود. البته باید به این نکته توجه نمود که اطلاع‌رسانی خسارت‌ها و شکست‌ها بدون تعیین ضوابط مشخص می‌تواند با اصول حفاظت از اطلاعات عملیاتی و جلوگیری از کمک اطلاعاتی به دشمن دچار تعارض شود و از این جهت باید ضوابط مشخص در این رابطه تعیین گردد؛
- در زمانی که نسبت به روایت‌های رسمی کشور با توجه به تجربیات قبلی بی‌اعتمادی وجود دارد، بایستی متناسب با دسته‌بندی‌های گوناگون مخاطبین، راهکارهای مختلف ارائه داد. برای مثال «اصلاح رویکرد و انتشار اخبار مبتنی بر واقعیت» راهکاری است که برای مخاطبینی که همچنان رسانه‌های رسمی را به عنوان یکی از منابع خبری خود استفاده می‌نمایند، قابل پیاده‌سازی است. اما برای مخاطبینی که هیچ گونه ارتباطی با رسانه‌های رسمی ندارند بایستی اقدام به تاسیس راه ارتباطی جدید نمود و در بسترهای مورد رجوع ایشان (مانند اینستا، پلتفرم‌های انتشار ویدئو و...) و با قالب متناسب اقدام به انتشار اخبار مناسب گرفت.
- در مواجهه با شایعات و اخبار جعلی، اولاً سازوکارهای رصد و پاسخ سریع ایجاد شود و ثانیاً علاوه بر تکذیب، روایت جایگزین معتبر و قابل پذیرش ارائه شود.
- تلاش شود تا با شناسایی نقاط ضعف دشمن و هجمه به آن‌ها دشمن برای دشمن هزینه ایجاد نموده و از این امر به عنوان اهرم ایجاد بازدارندگی استفاده کرد.

۴. تنظیم و مدیریت هیجانات جمعی

تنظیم هیجانات جمعی یکی از پیش‌نیازهای اساسی تحقق تاب‌آوری اجتماعی است. در شرایط جنگی، غلبه هیجاناتی نظیر ترس، غم و ناامیدی می‌تواند به تضعیف انسجام اجتماعی و کاهش توان تحمل جامعه منجر شود. در مقابل، تقویت هیجاناتی همچون خشم به دشمن، امید، احساس غرور و اعتماد به توان ملی می‌تواند به افزایش تاب‌آوری کمک کند. در این راستا، توصیه می‌شود:

■ تمرکز از کاهش و آرام‌سازی هیجانات به هدایت و تنظیم هیجانات تغییر یابد؛

■ از طریق روایتگری رسانه‌ای، لحن ارتباطی مسئولان، آیین‌ها و مناسک جمعی و محصولات فرهنگی و هنری، به تنظیم و جهت‌دهی هیجانات جمعی توجه شود؛

■ ضمن کنترل هیجانات منفی، از هدایت خشم به سمت دشمن بیرونی در چارچوبی کنترل‌شده استفاده شود؛

■ تقویت هیجانات مثبت و انسجام‌بخش در دستور کار قرار گیرد.

۵. ارتقای کیفیت پیام‌رسانی و ارتباطات حاکمیت با جامعه

نحوه پیام‌رسانی و ارتباطات حاکمیت با مردم در حین و پس از جنگ، تأثیر مستقیمی بر سطح اعتماد عمومی و تاب‌آوری جامعه دارد. نبود شفافیت، تأخیر در اطلاع‌رسانی و عدم پاسخ‌گویی می‌تواند به شکل‌گیری ابهام، بی‌خبری و گسترش شایعات منجر شود. در این راستا، توصیه می‌شود:

■ ارتباطات رسمی تا حد امکان شفاف، روشن و قابل فهم برای عموم باشد؛

■ در مواردی که به دلیل شرایط جنگی امکان ارائه اطلاعات کامل وجود ندارد، این محدودیت‌ها به صورت صریح برای افکار عمومی تبیین شود؛

■ ارتباطات حاکمیت ماهیتی پاسخ‌گو داشته باشد و نسبت به مطالبات و پرسش‌های عمومی واکنش به موقع نشان دهد؛

■ اطلاع‌رسانی به صورت پیش‌دستانه و مستمر انجام شود و از ایجاد خلأ اطلاعاتی پرهیز شود.

ب) مداخلات اجتماعی

در شرایط جنگی، تاب‌آوری اجتماعی صرفاً محصول مداخلات حکمرانی نیست، بلکه به میزان فعال‌سازی ظرفیت‌های درون جامعه‌ای، کیفیت روابط اجتماعی و ادراک افراد از نقش خود در مدیریت بحران وابسته است. بر این اساس، مداخلات اجتماعی باید معطوف به افزایش کنش‌پذیری، تقویت انسجام و فعال‌سازی شبکه‌های حمایتی باشد. بر این اساس، مداخلات اجتماعی زیر توصیه می‌شود:

۱. تقویت احساس خودکارآمدی و اثرگذاری اجتماعی

احساس خودکارآمدی و ادراک اثرگذاری در میان مردم، یکی از عوامل کلیدی در حفظ تاب‌آوری فردی و جمعی است. در صورتی که افراد احساس کنند نقشی در مدیریت بحران ندارند و قادر به انجام اقدام‌های مؤثر نیستند، انگیزه مشارکت اجتماعی کاهش یافته و در نتیجه تاب‌آوری جامعه تضعیف می‌شود.

در این راستا، توصیه می‌شود:

■ نقش و کارکردهای مشخص و قابل انجام برای مشارکت مردم و گروه‌های مختلف اجتماعی (خانواده‌ها، جوانان، اصناف، زنان و سازمان‌های محلی) در شرایط جنگ و پس از آن تعریف و به صورت عمومی تبیین شود؛ مشارکت‌های کوچک اما معنادار به عنوان کنش‌های مؤثر بازتعریف و برجسته‌سازی شود؛

■ نمونه‌های عینی از تأثیرگذاری اقدام‌های مردمی به صورت مستمر بازنمایی شود تا ادراک کارآمدی جمعی تقویت شود؛

■ از تمرکز کامل مسئولیت مدیریت بحران بر نهادهای رسمی پرهیز شده و بر نقش مکمل مردم در کاهش پیامدهای جنگ تأکید شود.

۲. بازسازی و تقویت هویت ملی فراگیر و احساس تعلق به کشور

فعال‌سازی هویت جمعی، به‌ویژه هویت ملی، از عوامل مؤثر در تقویت انسجام اجتماعی و تاب‌آوری در شرایط بحران است. در عین حال، تأکید بر هویت باید به گونه‌ای باشد که همه گروه‌های اجتماعی را در برگیرد و به طرد یا حذف هیچ بخشی از جامعه منجر نشود.

در این راستا، توصیه می‌شود:

■ هویت ملی به عنوان یک چتر فراگیر و چارچوبی وحدت‌بخش بازتعریف شود که امکان هم‌زیستی هویت‌های متنوع اجتماعی، فرهنگی و سیاسی را فراهم کند؛



- بر نقاط اشتراک، منافع جمعی و سرنوشت مشترک تأکید شود، بدون آنکه تکثر اجتماعی انکار شود؛
- از برجسته‌سازی شکاف‌ها و اختلافات سیاسی و اجتماعی در فضای عمومی پرهیز شود و بر اشتراکات، همدلی و اهداف جمعی تأکید شود؛
- از ابزارهای فرهنگی، نمادین و آیینی برای تقویت احساس تعلق و دلبستگی به کشور و وطن استفاده شود.

۳. تقویت ادراک حمایت اجتماعی در جامعه

ادراک وجود حمایت اجتماعی در میان مردم، یکی از مؤلفه‌های مهم تاب‌آوری اجتماعی است. این حمایت می‌تواند در قالب‌های مختلفی از جمله حمایت عاطفی، اطلاعاتی، ابزاری و مالی بروز یابد.

در این راستا، توصیه می‌شود:

- روایت‌های عمومی از کمک‌رسانی، همیاری، فداکاری و همکاری بین مردم به صورت هدفمند بازنمایی شود تا هنجارهای حمایتی تقویت شود؛
- بسترهای لازم برای تسهیل تعاملات حمایتی میان افراد و گروه‌های اجتماعی فراهم شود؛
- از تبدیل حمایت اجتماعی به کنش‌های مقطعی و هیجانی پرهیز شده و به سمت تداوم و نهادینه‌سازی آن حرکت شود.

۴. تقویت و حمایت از شبکه‌های محلی و گروه‌های مردمی

کاهش وابستگی به مداخلات دولتی و فعال‌سازی ظرفیت‌های مردمی، از الزام‌های افزایش تاب‌آوری در شرایط جنگی است. شبکه‌های محلی و گروه‌های مردمی می‌توانند بخشی از بار مدیریت بحران و حمایت از آسیب‌دیدگان را بر عهده بگیرند.

در این راستا، توصیه می‌شود:

- شکل‌گیری گروه‌های داوطلبانه، محلی و غیررسمی برای شناسایی نیازها و ارائه خدمات حمایتی تشویق شود؛
- از فعالیت این گروه‌ها از طریق تسهیلگری، پشتیبانی و رفع موانع اجرایی حمایت به عمل آید و حمایت‌ها برای افزایش اثربخشی این شبکه‌ها فراهم شود؛
- سازوکارهای حداقلی برای هماهنگی میان شبکه‌های مردمی و نهادهای رسمی طراحی شود تا از موازی‌کاری یا اختلال در مدیریت بحران جلوگیری شود.

۵. تقویت ابعاد دینی و معنوی در مواجهه با بحران

مقابله دینی و معنوی می‌تواند به عنوان یکی از منابع مهم سازگاری روانی و اجتماعی در شرایط جنگی عمل کند. این نوع مواجهه، از طریق ایجاد معنا، امید و همبستگی جمعی، به افزایش تاب‌آوری کمک می‌کند.

در این راستا، توصیه می‌شود:

- برگزاری مراسم‌ها و آیین‌های دینی و معنوی در سطوح محلی و ملی تقویت و تسهیل شود؛
- مشارکت جمعی در فعالیت‌های مذهبی به عنوان بستری برای تقویت همبستگی اجتماعی مورد توجه قرار گیرد؛
- از ظرفیت نهادهای دینی برای حمایت روانی، معنوی و اجتماعی از افراد آسیب‌دیده استفاده شود.

ج) مداخلات حکمرانی

در شرایط جنگی، کیفیت تجربه مردم از حکمرانی و نحوه ادراک آن توسط جامعه، نقش تعیین‌کننده‌ای در سطح تاب‌آوری اجتماعی دارد. این تجربه فقط براساس عملکرد واقعی حاکمیت شکل نمی‌گیرد؛ بلکه ادراکات و باورهای مردم نسبت به حاکمیت نیز در آن مؤثر است. براین اساس، مداخلات زیر توصیه می‌شود:

۱. مدیریت ادراک عدالت رویه‌ای در توزیع هزینه‌ها و فشارهای جنگ

ادراک عدالت در نحوه توزیع هزینه‌ها و فشارهای ناشی از جنگ، یکی از مهم‌ترین عوامل تعیین‌کننده تاب‌آوری اجتماعی است. در صورتی که

مردم احساس کنند برخی گروه‌ها یا طبقات اجتماعی از تحمل این هزینه‌ها مستثنا هستند، سطح تحمل اجتماعی به شدت کاهش می‌یابد. حتی سطوح بالای فشار، در صورت ادراک عدالت، قابل تحمل‌تر از فشارهای کمتر اما نابرابر هستند. در این راستا، توصیه می‌شود:

- نحوه توزیع هزینه‌ها و فشارهای جنگ به صورت عادلانه و قابل دفاع طراحی و اجرا شود؛
- در مواردی که برخی گروه‌ها به طور موجه از برخی هزینه‌ها مستثنا هستند، دلایل آن به صورت شفاف برای افکار عمومی تبیین شود؛
- از شکل‌گیری ادراک تبعیض میان گروه‌های اجتماعی جلوگیری شود و در صورت بروز نشانه‌های تبعیض ادراک شده، مداخلات اصلاحی به صورت سریع انجام شود.

۲. تقویت ادراک کنترل‌پذیری و مدیریت فعال بحران

باور عمومی نسبت به قابل کنترل بودن شرایط، نقش مهمی در کاهش ترس، اضطراب و بی‌اعتمادی دارد. در صورتی که جامعه احساس کند بحران از کنترل حاکمیت خارج شده، اعتماد به حاکمیت و تاب‌آوری اجتماعی به سرعت تضعیف می‌شود. در این راستا، توصیه می‌شود:

- توانایی حاکمیت در مدیریت بحران جنگ و برنامه‌ریزی برای مواجهه با پیامدهای آن به صورت مستمر به افکار عمومی نشان داده شود؛
- برنامه‌ریزی‌ها و اقدام‌های پیش‌دستانه در مواجهه با پیامدهای احتمالی به اطلاع جامعه برسد؛
- از انتقال پیام‌هایی که به طور ناخواسته ناتوانی یا سردرگمی در مدیریت بحران را القا می‌کند، پرهیز شود؛
- روایت «مدیریت فعال و مستمر بحران» در ارتباطات رسمی حفظ شود.

۳. تقویت و نهادینه‌سازی ادراک حمایت حاکمیت از مردم

باور به اینکه نظام حکمرانی در کنار مردم قرار دارد و نسبت به شرایط آنان متعهد است، یکی از عوامل مؤثر در افزایش تاب‌آوری اجتماعی است. در این راستا، توصیه می‌شود:

- حاکمیت به صورت فعال نشان دهد نسبت به شرایط و مشکلات مردم آگاه است و آن را درک می‌کند؛
- این امر در گفتار و رفتار مسئولان با مردم به صورت ملموس بروز یابد؛
- تلاش‌های واقعی برای تأمین نیازهای اساسی و کاهش فشارهای معیشتی به طور مستمر پیگیری و اطلاع‌رسانی شود؛
- این اطمینان در جامعه ایجاد شود که حکمرانی در پی بهبود شرایط مردم است؛
- از ایجاد شکاف میان وعده‌ها و اقدام‌های عملی پرهیز شود.

۴. حفظ و تداوم روال‌های عادی زندگی و ثبات اجتماعی

حفظ هنجارهای اجتماعی و تداوم در الگوهای روزمره زندگی مردم یکی از عوامل مهم در کاهش احساس بحران و افزایش ثبات روانی جامعه است. اختلال گسترده در این روال‌ها می‌تواند ادراک بی‌ثباتی را تقویت کند و توان تحمل شرایط را برای مردم کاهش دهد. در این راستا، توصیه می‌شود:

- پایداری خدمات عمومی و شهری و نیز زیرساخت‌های حیاتی در اولویت قرار گیرد؛
- نظم اجتماعی در حوزه‌هایی مانند حمل‌ونقل، خدمات شهری و فعالیت‌های اقتصادی و هنجارهای جاری زندگی روزمره حفظ شود؛
- از مداخلات غیرضروری که منجر به اختلال در روال‌های عادی زندگی می‌شود، پرهیز شود.

۵. حمایت هدفمند از گروه‌های آسیب‌دیده و در معرض خطر

تاب‌آوری اجتماعی به صورت یکنواخت در جامعه توزیع نشده و گروه‌هایی که مواجهه مستقیم‌تری با جنگ دارند (مثلاً ساکنان شهرهای درگیر بمباران) یا در جنگ آسیب‌دیده‌اند و یا به طور کلی آسیب‌پذیرتر هستند، از سطح تاب‌آوری پایین‌تری برخوردارند.



در این راستا، توصیه می‌شود:

- این گروه‌ها به صورت فعال شناسایی و ارائه خدمات حمایتی به آنها در اولویت قرار گیرد؛
- دسترسی به خدمات سلامت روان و حمایت‌های روان‌شناختی تسهیل شود؛
- آموزش‌های عمومی مرتبط با مدیریت استرس، روابط خانوادگی و فرزندپروری در شرایط بحران توسعه یابد.
- برای مهاجران جنگی که به سایر مناطق با خطر کمتر نقل مکان نموده‌اند ضمن اندیشیدن تدابیر مرتبط با محل سکونت، مواد غذایی و... تدابیر روانی نیز اندیشیده شود.
- لازم به ذکر است اقشار در معرض خط می‌بایستی دسته‌بندی شده و برای هر گروه متناسب با شرایط ایشان چاره‌اندیشی شود. برای مثال خانواده نظامیانی که در صحنه جنگ حضور دارند از جمله گروه‌های حساس هستند که نیازمند حمایت روحی و روانی جدی هستند.

۶. ارتقای ثبات، انسجام و پیش‌بینی‌پذیری در تصمیم‌های حکمرانی

ثبات و انسجام در خط‌مشی‌ها و تصمیم‌های حاکمیت، یکی از عوامل کلیدی در ایجاد اعتماد عمومی و تقویت تاب‌آوری اجتماعی است. تغییرهای مکرر، تناقض در تصمیم‌ها و عدم پیش‌بینی‌پذیری، می‌تواند به بی‌اعتمادی و نااطمینانی منجر شود که به نوبه خود بر تاب‌آوری جامعه در شرایط جنگ تأثیر می‌گذارد.

در این راستا، توصیه می‌شود:

- خط‌مشی‌ها و تصمیم‌ها تا حد امکان پایدار و قابل پیش‌بینی طراحی و اجرا شوند؛
- هماهنگی میان نهادهای مختلف پیش از اعلام تصمیم‌ها تقویت شود و این هماهنگی بین نهادی به مردم نشان داده شود؛
- از بروز تناقض در پیام‌ها و خط‌مشی‌ها و تغییرهای مکرر و ناگهانی در قوانین و مقررات پرهیز شود؛
- در صورت ضرورت تغییر در تصمیم‌ها، دلایل آن به صورت شفاف برای افکار عمومی تبیین شود.

۷. جمع‌بندی



تاب‌آوری اجتماعی در شرایط جنگ، پدیده‌ای پیچیده و چندبعدی است که فراتر از توان نظامی، مسیر پایداری یا فرسایش جامعه را مشخص می‌کند. جنگ به طور هم‌زمان اقتصاد، ساختارهای اجتماعی، افکار عمومی و کارکرد نهادهای حکمرانی را تحت تأثیر قرار می‌دهد و چگونگی مواجهه جامعه با این فشارهای درهم‌تنیده است که سطح واقعی تاب‌آوری را آشکار می‌سازد. از این منظر، تاب‌آوری صرفاً به معنای تحمل سختی‌ها نیست، بلکه به معنای حفظ انسجام، استمرار کارکردهای حیاتی، مدیریت ادراک‌ها و هیجانات جمعی و توان بازسازی در میانه و پس از بحران است.

باین حال، تاب‌آوری اجتماعی تنها با کاهش عینی سختی‌ها و فشارهای ناشی از جنگ حاصل نمی‌شود. هرچند کاهش آسیب‌های اقتصادی، حفظ خدمات عمومی، تأمین نیازهای اساسی و مدیریت کارآمد بحران ضرورتی بنیادین است، اما این اقدام‌ها به تنهایی ضامن پایداری جامعه در شرایط بحرانی جنگ نیستند. آنچه تعیین می‌کند جامعه چگونه فشارها را تجربه و معنا می‌کند، سازوکارهای شناختی، روانی، اجتماعی و ارتباطی است که بر ادراک مردم از عدالت، کنترل‌پذیری، حمایت و آینده اثر می‌گذارد.

در اینجا علوم رفتاری و شناختی افق متفاوتی را پیش‌روی خط‌مشی‌گذاری قرار می‌دهند. این علوم نشان می‌دهند که فهم دقیق‌تر از ذهن و رفتار انسان‌ها، از نحوه شکل‌گیری هیجان‌ها، قضاوت‌ها و تصمیم‌های جمعی و از سازوکارهای اعتماد و همکاری اجتماعی، می‌تواند بنیان‌های تاب‌آوری را تقویت کند. جامعه زمانی پایدارتر می‌ماند که شرایط را قابل فهم و تا حدی قابل کنترل ادراک کند، احساس کند در توزیع هزینه‌ها

عدالت رعایت می‌شود، حمایت اجتماعی در دسترس است و روایت رسمی با تجربه زیسته مردم فاصله معناداری ندارد.

در این چارچوب، تاب‌آوری اجتماعی بر ترکیبی از عناصر به هم پیوسته استوار است: اعتماد، انسجام، هویت مشترک، حمایت اجتماعی، خودکارآمدی جمعی، پایداری هنجارها، کارآمدی نهادی و روایت‌های منسجم و صادقانه. تضعیف هر یک از این مؤلفه‌ها می‌تواند به فرسایش سرمایه اجتماعی، افزایش قطبی‌سازی و کاهش همکاری عمومی بینجامد؛ در مقابل، تقویت آنها زمینه را برای مشارکت فعال، تحمل هزینه‌ها و حفظ ثبات اجتماعی فراهم می‌کند.

از این رو خط‌مشی‌گذار برای شکل‌دهی به یک جامعه تاب‌آور ناگزیر است در دو سطح مکمل عمل کند: نخست، کاهش واقعی فشارهای اقتصادی و معیشتی، حفظ خدمات حیاتی، توزیع عادلانه هزینه‌ها و تضمین کارکرد مؤثر حکمرانی و دوم، توجه هدفمند به ابعاد شناختی-روانی، اجتماعی و ارتباطی، از طریق تقویت اعتماد، مدیریت انتظارات، تنظیم هیجانات جمعی، فعال‌سازی شبکه‌های اجتماعی و تقویت احساس حمایت و کنترل‌پذیری.

در نهایت، تاب‌آوری اجتماعی نه امری خودبه‌خودی است و نه صرفاً پیامد کاهش دشواری‌های مادی؛ بلکه حاصل خط‌مشی‌گذاری هم‌زمان در ساحت سخت و نرم جامعه است. جامعه‌ای که بتواند این دو ساحت را به‌طور هماهنگ تقویت کند، با انسجام بیشتر، موانع داخلی کمتر و پشتوانه اجتماعی گسترده‌تر قادر خواهد بود در شرایط جنگ پایداری خود را حفظ کند و مسیر غلبه بر بحران را هموارتر سازد. در ادامه جدول ۳ به اختصار پیشنهادهای ارائه شده و نهادهای متولی هر یک را ارائه داده است.

جدول ۳. پیشنهادهای سیاستی ارائه شده

ردیف	نوع توصیه		توصیه سیاستی	الزام‌ها و قیود اجرایی	دستگاه متولی	دستگاه معین	زمان‌بندی اجرا (کوتاه‌مدت، میان‌مدت، بلندمدت)	ملاحظات
	تداوم*	اصلاح**						
۱			مدیریت و بازتنظیم انتظارات عمومی	باید تعادلی میان حداقل‌های امیدآفرین و اهداف بلندپروازانه ایجاد شود تا ضمن آنکه از کاهش انگیزه مردم جلوگیری نشود انتظارهای اشتباه نیز برای ایشان ایجاد نشود.	سازمان صداوسیما	پایگاه‌های خبری	کوتاه‌مدت	-
۲			تقویت معناسازی و ارائه روایت قانع‌کننده از بحران	خلأهای معنایی مردم در رابطه با جنگ شناسایی شود و برای پاسخ به آنها برنامه‌ریزی شود.	صداوسیما، ستادکل نیروهای مسلح	پایگاه‌های خبری و کارشناسان	کوتاه‌مدت	این امر برای ستادکل وجهه پیشنهادی به‌منظور بهبود عملکرد داشته و به معنای الزام این نهاد نمی‌باشد.



ردیف	نوع توصیه		توصیه سیاستی	الزام‌ها و قیود اجرایی	دستگاه متولی	دستگاه معین	زمان‌بندی اجرا (کوتاه‌مدت، میان‌مدت، بلندمدت)	ملاحظات
	تداوم *	اصلاح **						
۳			مدیریت منسجم روایت‌ها و مقابله با اطلاعات نادرست	نیاز است تا بخشی بالادستی در این رابطه شکل گیرد تا بتواند به مدیریت روند ارائه روایت و ایجاد هماهنگی میان ذی‌نفعان مختلف بپردازد.	شورای عالی فضای مجازی، شورای عالی امنیت ملی، سازمان صداوسیما	-	میان‌مدت	نیاز به نهادسازی (باید نهادی فرادستی وجود داشته باشد که توانایی ایجاد هماهنگی میان نهادهای مذکور جهت توجه به ملاحظات رسانه‌ای را داشته باشد)
۴			تنظیم و مدیریت هیجانات جمعی	نیاز است تا روحیه غرور، اعتماد و... در مجریان رسانه‌ای و مسئولان وجود داشته باشد و همچنین صحبت‌های ایشان در این راستا باشد.	سازمان صداوسیما، هیئت دولت	-	کوتاه‌مدت	-
۵			ارتقای کیفیت پیام‌رسانی و ارتباطات حاکمیت با جامعه	باید فرهنگ و نگاه لزوم آگاه کردن مردم ارائه روایت دست اول در مجموعه حاکمیت ایجاد شود تا نهادهای اطلاع‌رسانی داخلی مرجعیت خود را حفظ کنند.	شورای عالی امنیت ملی، نهادهای نظامی	سازمان صداوسیما	میان‌مدت	برخی اطلاعات نظامی و امنیتی را نمی‌توان به صورت عمومی منتشر نمود و بایستی ملاحظات امنیتی لحاظ گردد.
۶			تقویت احساس خودکارآمدی و اثرگذاری اجتماعی	خلق مسیر برای نقش‌آفرینی مردم برای فعال‌سازی ظرفیت ایشان و ایجاد حس مثبت در ایشان	اندیشکده‌ها	سازمان صداوسیما، هیئت دولت	کوتاه‌مدت	امکان الزام اندیشکده‌ها وجود ندارد اما می‌توان با تعریف مشوق، ایشان را در این راستا هدایت نمود.
۷			بازسازی و تقویت هویت ملی فراگیر و احساس تعلق به کشور	نیاز است تا در تولیدهای رسانه‌ای انواع پوشش‌ها و قومیت‌ها مورد توجه گیرد تا با دیدن آن احساس قربت در اقشار مختلف مردم ایجاد شود.	وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان تبلیغات، سازمان صداوسیما	شهرداری‌ها	میان‌مدت	-
۸			تقویت ادراک حمایت اجتماعی در جامعه	-	سازمان صداوسیما	فعالان رسانه‌ای	کوتاه‌مدت	-

ردیف	نوع توصیه		توصیه سیاستی	الزام‌ها و قیود اجرایی	دستگاه متولی	دستگاه معین	زمان‌بندی اجرا (کوتاه‌مدت، میان‌مدت، بلندمدت)	ملاحظات
	اصلاح **	تداوم *						
۹		✓	تقویت و حمایت از شبکه‌های محلی و گروه‌های مردمی	–	وزارت کشور، شهرداری‌ها، شوراهای استانی و شهرستانی توسعه و حمایت از تشکلهای	–	میان‌مدت	–
۱۰		✓	تقویت ابعاد دینی و معنوی در مواجهه با بحران	–	حوزه‌های علمیه، نمایندگان ولی فقیه	سازمان تبلیغات اسلامی	کوتاه‌مدت	–
۱۱		✓	مدیریت ادراک عدالت رویه‌ای در توزیع هزینه‌ها و فشارهای جنگ	این مورد امری زیربنایی است که باید در بخش‌های مختلف حاکمیت به آن توجه شود. برای مثال در رابطه با بررسی عدالت، رویه‌ای قوانین مجلس شورای اسلامی می‌تواند اعمال تغییر کند. توجه به پیوست عدالت	هیئت دولت	مجلس شورای اسلامی	میان‌مدت	–
۱۲		✓	تقویت ادراک کنترل‌پذیری و مدیریت فعال بحران	خودداری از انجام صحبت‌هایی که القای عدم کنترل بر شرایط می‌کند توسط مسئولان	هیئت دولت	سازمان صداوسیما	کوتاه‌مدت	–
۱۳		✓	تقویت و نهادینه‌سازی ادراک حمایت حاکمیت از مردم	–	سه قوه	سازمان صداوسیما	کوتاه‌مدت	–
۱۴		✓	حفظ و تداوم روال‌های عادی زندگی و ثبات اجتماعی	–	شهرداری‌ها و وزارتخانه‌ها مرتبط با امور روزمره مردم	تشکلهای صنفی	کوتاه‌مدت	–
۱۵		✓	حمایت هدفمند از گروه‌های آسیب‌دیده و در معرض خطر	–	وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی	مجموعه‌های مردمی	کوتاه‌مدت	–
۱۶	✓		ارتقای ثبات، انسجام و پیش‌بینی‌پذیری در تصمیم‌های حکمرانی	–	سه قوه	–	کوتاه‌مدت	–

* تداوم یا تقویت آیتم‌ها یا اقدامات
 ** اصلاح رویه‌ها یا ایجاد سازوکارها
 مأخذ: همان.



- [1] A. Shvalb, S. Yanovskaya, and L. Pereyigina, "Peculiarities of Resilience and Coping Strategies of The Ukrainian Civilian Population During the Full-Scale War: The Role of Social Support," *Visnyk VN Karazin Kharkiv Natl. Univ. Ser. Psychol.*, no. 78, pp. 46–52, 2025.
- [2] W. A. Tol, S. Song, and M. J. D. Jordans, "Annual research review: Resilience and mental health in children and adolescents living in areas of armed conflict—a systematic review of findings in low-and middle-income countries," *J. child Psychol. psychiatry*, vol. 54, no. 4, pp. 445–460, 2013.
- [3] E. Duraković-Belko, A. Kulenović, and R. Dapić, "Determinants of posttraumatic adjustment in adolescents from Sarajevo who experienced war," *J. Clin. Psychol.*, vol. 59, no. 1, pp. 27–40, 2003.
- [4] S. M. Baker and C. N. Baker, "The bounce in our steps from shared material resources in cultural trauma and recovery," *J. Assoc. Consum. Res.*, vol. 1, no. 2, pp. 314–335, 2016.

عنوان: تاب‌آوری جامعه در جنگ از منظر علوم رفتاری؛ واکاوی عوامل مؤثر و ارائه راهبردهای مداخله‌ای



DOI: <https://doi.org/10.22034/mrc.report.21890>

Permanent Link: https://report.mrc.ir/article_11957.html

Publisher : Islamic Parliament Research Center of Iran

گزیده سیاستی

تاب‌آوری در جنگ، عبارت است از توانایی جامعه در حفظ انسجام و تداوم کارکردهای اساسی در شرایط بحرانی. این گزارش ضمن بررسی ابعاد این موضوع، به ارائه پیشنهادهایی برای حفظ تاب‌آوری در دوران پساجنگ می‌پردازد.



مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی

تهران، خیابان پاسداران، رویروی پارک نیاوران (ضلع جنوبی، پلاک ۸۰۲)

تلفن: ۷۵۱۸۳۰۰۰ صندوق پستی: ۵۸۵۵-۱۵۸۷۵ پست الکترونیک: mrc@majles.ir

وبسایت: rc.majles.ir